

دیدگاهها و اندیشه‌ها

پیرامون علم کتابداری در عصر کاربرد فن آوری

مهرانگیز حریری، پرویز عازم، مهرداد نیکنام، قاسم صافی، ماندانا صدیق بهزادی

دکتر قاسم صافی^۱

سنجش و تحلیل افکار، پیرامون دانش کتابداری و به تعبیری دانش شناسی با تمام کوششهایی که درباره آن شده است هنوز با نقص و نارسایی توأم و خواهان یک بررسی عالمانه و جامع در مقتضیات نواحی آن می‌باشد و باید پاسخ آن را یافت و به تلاش ذهنی دست اندرکاران یاری داد. در شماره قبل اشاره کردیم مفهوم کتابداری با تحولات کنونی زمان و گوناگونی نیازمندیها و نگرشهای نوین، دگرگون گشته و این رشته که جوانه‌ای نورسته بر پیکر تنومند علوم امروز است، در زمره علوم و در نظام آموزشی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. متخصصی که در کتابخانه کار می‌کند فقط کارش با کتاب نیست، بسا که در یک «کتابخانه» اختصاصی و یا دانشگاهی فعلاً مجموعه میکروفیلرها صد برابر کتابها باشد. شکل مادی و فیزیکی فقط یک وسیله ارتباط جمعی نمی‌تواند نام این علم نوین را تعیین کند. در اصل، آنچه که افراد متخصص در این علم با آن روبرویند، کل دانش است به هر شکل و فرم مدون شده آن: خوانا بر نوار فیلم، یا صفحه موسیقی، یا برگ کاغذ، یا کتاب، و یا وسیله دیگر. آن که را که از مفهوم «کتابدار» می‌طلبیم کسی است که در شناخت دانش آدمی تخصص داشته باشد و بداند که این دانش را از کدام منابع گرد آورده،

۱. مشاور کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

و چگونه دانش گرد آوری شده را نظم بخشیده، بین افراد توزیع، و در انتظار بازده باشد، و بالمآل تأثیر خود را در رسالت ساختن تمدنی جهانی با نظم متعالی احساس کند.

تعلیم گرفتن برای انجام وظایف چند گونه کتابداری و پیشرفت حرفه‌ای، امری اجتناب ناپذیر است و چنین امری، بدون کسب مهارت و خبرگی متداوم کتابداری و دانش فنی ناممکن می‌نماید. از آنجا که پروراندن نظریه در علم کتابداری و نظریه پردازی برای پرورش اصول و مفاهیمی که به روشن شدن مسائل معرفتشناسی یاری می‌رسانند بسیار ضعیف بوده و پیشبرد و تکامل آن جهت ترقی این علم، اهمیت حیاتی دارد نگرش بر موقعیت فلسفه در حال حاضر در رابطه کنونی آن با این حرفه اهمیت بسزایی دارد.

این روزها به علت روی آوردن به تحصیل کتابداری، علم کتابداری در جامعه بیشتر مطرح شده اما به سبب اینکه در کتابخانه‌ها، کتابداران تجربی هم داریم که افراد کارایی هستند و کارهای تحقیقاتی در سطح بالایی را هم ارائه کرده‌اند این شبهه حاصل شده که آیا کتابداری یک تکنیک و فن است، یا یک علم و فلسفه، و نظریه این علم چیست و نظریه‌هایی که برپایه آن بتوان ساختار حرفه‌ای درستی بنا کرد کدام است و روشهای علمی و پژوهشی این علم و متون تخصصی آن چیست؟ در این شماره، خلاصه و بخشهایی از مطالب اساسی چند تن از اهل نظر را مطرح می‌کنیم و نظر و استدلال ایشان را در این زمینه و اینکه اصولاً چه مسائل و مشکلاتی در مورد کتابداری علمی در کتابخانه‌های کشور و استفاده مطلوب از کتابخانه‌ها به نظرشان می‌رسد، ارائه می‌دهیم. همچنین، با عنایت به اینکه امروزه مجریان انتقال و تبادل اطلاعات و بطور کلی، کسانی که تکنولوژی اطلاعات را به دست گرفته‌اند داعیه مدیریت آن را دارند، نقش کتابداران و جایگاه آنان را در این رابطه و در عصر کاربرد تکنولوژی مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ثمره‌ای که کتابداری از یک تلاش جدی در راه طرح و ترسیم فرضهای بنیادی مربوط به این رشته خواهد داشت این است که پروردن زمینه‌ای فلسفی برای نظریه پردازان کتابداری اجازه خواهد داد تا کارکردهای ناشی از آن فلسفه را بطور کامل ارزیابی کنند و در عین حال، کسانی هم باشند خبره در این علم که بتوانند صاحب عمل آن باشند. من رشته کلام را به خانم دکتر مهرانگیز حریری می‌سپارم که از صاحب نظران پیشرو در این زمینه‌اند.

دکتر مهرانگیز حریری^۱

در نگاهی گذرا به بریده جراید، مطلبی را دیده بودم که با این سؤال شما موضوع برایم تداعی شد. این مطلب تحت عنوان «پشتوانه علمی مدیران» اشاره‌ای داشت به مدیران تجربی و تحصیلکرده و چنین عنوان شده بود:

علیرغم اینکه ممکن است برخی مدیران بیمارستانها تجربه و کارایی خود را، حتی با مدرک غیر دانشگاهی به اثبات رسانند و مدیریت آنها به گونه‌ای باشد که رضایت نسبی برخی از بیماران را فراهم آورد، اما واقعیت امر این است که کار باید در دست کاردان باشد و کسی سکاندار یک مجموعه بهداشتی و درمانی کشور شود که مسئولیت خود را پیوند خورده با سلامت و بهداشت زندگی مردم بداند و این میسر نیست مگر آنکه به قول وزیر بهداشت: یک مدیر بیمارستان، اقتصاد بداند، از جامعه شناسی و حقوق بهره داشته، روانشناسی و دانش پزشکی را تجربه کرده باشد.

آیا این مطلب درباره بسیاری از رشته‌های دیگر از جمله کتابداری، بنا به ماهیت و محدودیت آن، صادق نیست؟ آگاهی نسبت به اصول و مبانی کتابداری، شناخت جامعه استفاده کننده و نحوه برخورد با آن، نظریه‌هایی که تشکیل دهنده زیر بنای خدمات اطلاع‌رسانی هستند، آشنایی با اصول و نظریه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی با عنایت به مسائل و مشکلات خاص کتابخانه‌ها، و اقتصاد اطلاعات و موضوعهای متعدد دیگر پایه تربیت کتابدار را در محیط دانشگاه و در کلاس درس پی‌ریزی می‌کند و این همان بُعد علمی کتابداری است که در واقع، زمینه را برای فراگیری نظامیافته امور فنی و تصمیم‌گیریهای صحیح و بموقع در برابر مشکلات و بحرانها آماده می‌سازد.

درست است که برخی از کتابداران تجربی نیز کارهای خوبی انجام داده‌اند اما از موارد خاص نمی‌توان نتیجه‌گیری کلی نمود و در مورد اینکه کتابداری فن است، حکم صادر کرد.

بسیاری از رشته‌های دانش بشر که صرفاً در تئوری خلاصه نمی‌شوند، هم

بعد علمی دارند و هم بعد فنی. رشته‌های مختلف مهندسی، پزشکی، حتی شیمی و فیزیک و نظایر آنها دارای هر دو این ابعاد هستند. ما هم دکتر و مهندس عمران داریم و هم بنا و معمار، هم دندانپزشک متخصص و هم دندانساز، هم مهندس الکترونیک و هم تعمیرکار کامپیوتر و... حال چگونه می‌توان این سؤال را مطرح کرد حال که دندانساز تجربی می‌تواند دندانهای خوبی بسازد، آیا دندانپزشکی یک رشته علمی است یا فنی؟ البته عملکرد ضعیف ما کتابداران در صحنه آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی و نیز کتابخانه‌ها موجب شده است که این سؤال همواره مطرح باشد و ما هم پاسخ قاطع و روشنی برای آن نداشته باشیم. اما اگر دقیقتر و جامعتر و با دیدی وسیعتر و با خلوص نیت به حرفه خود بنگریم ملاحظه می‌کنیم که کتابداری در واقع، ریشه علمی دارد و شاید توصیف دقیقتر این رشته این باشد که کتابداری تلفیقی از علم، فن، و هنر است و دانستن فن بنتهایی برای کتابدار شدن کافی نیست.

و اما در مورد قسمت دوم گفتار شما، مسلم است که انتقال و اشاعه اطلاعات طیف وسیعی از رسانه‌ها و سازمانها و متخصصان را در بر می‌گیرد که کتابخانه و کتابدار نیز جزئی از آن است. به همین جهت، منطقی است که عوامل مختلفی در این جریان مشارکت داشته باشند و هر یک، بنا به ماهیت کار خود، گوشه‌ای از کار اشاعه و انتقال اطلاعات و فراهم آوردن امکانات لازم را به عهده گیرند. تهیه کنندگان نرم افزارها، تولید کنندگان بانکهای اطلاعاتی، پایه‌گذاران شبکه‌های اطلاعاتی، و کتابخانه‌ها هر یک به نوعی در مدیریت اطلاعات سهیم هستند.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود کتابخانه‌ها که خود سهم قابل توجهی در تهیه ابزار اطلاعاتی دارند، از طریق ارتباط با پایگاهها و شبکه‌های اطلاعاتی بخش مهمی از مدیریت اطلاعات و سیستمهای اطلاعاتی را به عهده دارند و در این عرصه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند مشروط بر اینکه به اهمیت نقش حساس و مهم خود واقف باشند و بخوبی ایفای نقش کنند.

در سالهای اخیر شاهد آن بوده‌ایم که مسئولیت مراکز و امور اطلاع‌رسانی کشور را افراد غیر کتابدار به عهده گرفته‌اند و براحتی نام اطلاع‌رسان یا متخصص و یا مدیر در این امور را بر خود گذاشته‌اند. بگذریم از اینکه حاصل فعالیت‌های آنها در طول تصدی این پستها چه بوده و تا چه حد فعالیت‌هایشان منطبق بر اصول و ضوابط علمی بوده است اما یکی از محرزترین دلایل پیدایش چنین وضعیتهایی، تسامح و

شاید هم، تجاهل کتابداران و بی‌اعتنا ماندن آنان نسبت به این جریانهاست و همین امر موجب شده تا در سایه فعالیتهای کتابداران، این گونه مدیران جایگاه مستحکمتری پیدا کنند و امور اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات را از دست کتابداران خارج کرده، در اختیار خود بگیرند و این، در شرایطی است که در کشورهای پیشرفته، کتابداران، اطلاعات خود را با دانش روز و تکنولوژی مدرن، همگام و همراه ساخته و همچنان پیشگام امر اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات هستند. کتابداران ما اگر تلاش نکنند و با تکنولوژی و کاربرد آن تسلط لازم را در حیطه کار خود پیدا نکنند و متحول نشوند و اگر سکان اطلاع‌رسانی کشور را با قدرت در دست نگیرند، در گوشه کتابخانه‌ها به دست فراموشی سپرده خواهند شد و نقش کتابدار به عنوان عضو اصلی مجموعه اطلاع‌رسانی کمرنگتر و کمرنگتر خواهد شد.

پرویز عازم^۱

(۱) سابقه کتاب و کتابخانه و کتابداری در کشور عزیز ما ایران به زمانهای دور و گذشته ما برمی‌گردد. به آن زمان که هنوز قرن‌ها مانده بود صنعت چاپ اختراع شود و دانش مکتوب بشر به چاپ برسد و سرعت و سهولت در اختیار همگان قرار گیرد. در دنیا ما ملت با تمدن و دارای فرهنگ غنی بوده و هستیم که در تألیف و تصنیف کتاب و کتابنویسی و کتابخانه و کتابداری حرف نخستین را می‌زدیم. شاید بخشی از تفکر و تلقی امروز جامعه سنتی ما درباره اینکه آیا کتابداری یک علم است یا با کسب تجربه می‌توان کتابدار خوب شد، به این دلیل است! سابقه حرفه کتابداری به صورت آموزش دانشگاهی در ایران از چهار دهه تجاوز نمی‌کند. قبل از این زمان، سرزمین پهناور ایران دارای بزرگترین و پرکتابترین کتابخانه‌ها در جهان بوده و این کتابخانه‌ها را غالباً دانشمندان و اهل علم و حتی آنهایی که خود بانی و مؤسس کتابخانه بوده‌اند اداره می‌کرده‌اند. سنت جاری در جامعه ما این گونه بوده است که کتابداران معمولاً خود، مؤسس یا بانی یا اهداء کننده کتابهای شخصی و مدیر کتابخانه نیز بوده‌اند و فقط فضل و دانش و تجربه و علاقه کفایت می‌کرده تا

یک فرد، کتابدار کاردان و شایسته‌ای هم باشد. بنابراین تا قبل از ورود تکنولوژی جدید به کتابخانه‌ها، ایجاد و تأسیس کتابخانه، مجموعه‌سازی، سازماندهی و بهره‌وری و اداره کتابخانه از عهده کتابداران مجرب برآمده بود اما از زمانی که مجموعه کتابخانه‌ها گسترش یافت و مواد کتابخانه از انحصار کتاب خارج شد و به مجموعه کتابخانه مواد دیگری از جمله نشریات متنوع و متعدد، فهرستگانها، نقشه‌ها، رسانه‌های دیداری و شنیداری، نوار، اسلاید، فیلم، دیسکت و ابزار و تجهیزات بهره‌برداری از رسانه‌ها افزوده شد و کتابداران ملزم به استفاده از این وسائل شدند، خدمات کتابخانه‌ها از منحصر بودن به امانت دادن کتاب خارج گردید بطوری که امروزه بسختی می‌توان باور کرد که یکدهم فعالیت‌های فنی و کار مرجع و اطلاع‌رسانی کتابخانه را بتوان با کتابداری تجربی انجام داد. حتی کتابداران تجربی باید علم کتابداری را بیاموزند و بکار ببندند. بدین معنا جنبه‌های عملی و کاربردی دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی نقش اساسی در فراهم‌آوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات دارد و کتابدار زمانی موفق خواهد بود که از دانش روز بهره‌مند شده باشد، بعلاوه خود را با تکنولوژی اطلاع‌رسانی منطبق سازد تا بتواند به نحو احسن، واسطه بین استفاده‌کننده از کتابخانه و منابع و اطلاعات قرار گیرد و خدمات خود را سودمند و رضایتبخش انجام دهد.

در حقیقت، امروزه کتابدار خود یک محقق و متخصص است، زیرا افزایش روز افزون مواد و منابع چاپی و غیر چاپی تنها از طریق سازمان دادن نمی‌تواند منبع خدمت قرار گیرد بلکه باید کتابدار محقق و دانش‌آموخته این واسطگی را انجام بدهد، باید اذعان کرد که تجربه هرچند با علاقه و هوشمندی و زماندار باشد اما تا با دانش و مهارت‌های علمی نیامیزد وظایف و خدمات کتابداری امروزی به سامان نمی‌رسد. کار مهم کتابخانه آموزش و پژوهش است. پرسش و پاسخ مراجعه‌کننده نیاز به تخصص در رشته‌های موضوعی دارد و اگر قرار است کتابداران به عنوان اعضای هیأت علمی، بویژه در دانشگاهها مطرح شوند باید همانند سایر همکاران خود درجه علمی مشابهی را ارائه دهند. امروزه داشتن مدارک کارشناسی ارشد و دکترا از شرایط احراز صلاحیت کتابدار دانشگاهی است. در کتابخانه‌های دانشگاهی، تمام کسانی که در کتابخانه کار می‌کنند در حقیقت نه منشی هستند نه کارمند و نه تکنیسین بلکه همه کتابدارند و کتابدار باید آموزش حرفه‌ای دانشگاهی دیده باشد.

این مورد که امروزه مجریان انتقال و تبادل اطلاعات داعیه مدیریت اطلاعات را دارا هستند، احتمالاً ادعای بجایی نیست زیرا اکثریت قریب به اتفاق این مدیران، اول درس کتابداری خوانده‌اند بویژه که در سالهای اخیر باید واحدهایی در زمینه تکنولوژی اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات را نیز بگذرانند و برحسب گرایش تخصصی و علاقه شخصی و نیاز سازمان مربوط، به بخش تکنولوژی اطلاع‌رسانی جذب بشوند. البته در این میان تعداد زیادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته کامپیوتر به صف تولیدکنندگان اطلاعات پیوسته، شرکتهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری پرداخته‌اند، و کم و بیش به آموزش دانش کتابداری نیز علاقه نشان داده‌اند. در این حیطه به نظر می‌رسد راه کسب توفیق در مدیریت اطلاعات یعنی فرآیند تصمیم‌گیری، نقش اطلاعات مدیریت، گردآوری و تحلیل داده‌ها، تحلیل نظامهای اطلاع‌رسانی، طراحی و تعیین مشخصات کاربرد کامپیوترها، کنترل مدیریت، مدیریت نیروی انسانی، و مدیریت مالی از عوامل عمده موفقیت در مدیریت است.

یکی از راهکارهای درست پیشبرد و توسعه صنعت اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، بانکهای اطلاعاتی، پایگاههای کامپیوتری اطلاعات، گنجینیدن واحدهای درسی کاربردی در رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد کتابداری است. علاوه بر آن، انتخاب مدیران و استادان کارآزموده و دانش آموخته اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعات، نیازهای اطلاع‌رسانی و تهیه و تدارک تجهیزات و امکانات رسانه‌ها ضروری و سهم برابر با امکانات آموزشی دارد.

برطبق یک تحقیق دانشگاهی، اکثریت کتابداران دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در ایران از تحصیلات کتابداری دانشگاهی برخوردار نیستند و یکی از مشکلات مهم کتابخانه‌های دانشگاهی امروزی، کمبود پرسنل آموزش‌دیده کتابداری است و به همین دلیل، استفاده مطلوب از مواد و منابع فعلی کتابخانه بخوبی انجام نمی‌گیرد. بعلاوه، مجموعه‌سازی مواد و منابع کتابخانه‌ها بیشتر به دلیل فقر تخصصهای موضوعی کتابداران با انتخاب اصلح و مواد و منابع مورد نیاز روز نیست. مجموعه‌ها غالباً کهنه و خارج از زمان است، بویژه که بودجه‌های خرید کتاب و منابع کتابخانه‌ای و رسانه‌های دیداری و شنیداری و تجهیزات آنها، بسیار پایین است. اینها عواملی بسیار ابتدایی در نزول خدمات کتابداری در ایران است.

دکتر ماندانا صدیق بهزادی^۱

۱. به نظر اینجانب، کتابداری هم علم است و هم فن، کسی که کتابداری را بیشتر کاربردی آموخته به فنّ نظر داشته و کسی که به دانش کتابداری و کارهای پژوهشی و تدریس می‌پردازد بیشتر به علم کتابداری نظر دارد. در جوامعی مثل ایران هستند کتابداران و نسخه شناسانی که کارهای تجربی با ارزشی انجام داده‌اند ولی ممکن است با علم نوین کتابداری چندان آشنا نباشند و هستند کسانی که به علم نوین کتابداری پرداخته ولی تجربه آن افراد را ندارند که باید دو گروه را به هم نزدیک نمود.

در مورد جایگاه کتابداران در عصر کاربرد تکنولوژی نیز به این نکته باید توجه داشت که کاربرد کامپیوتر دو نوع تأثیر می‌گذارد:

۱. کاربرد کامپیوتر در کارهای نگهداری پیشینه‌های داخلی کتابخانه‌ها (فراهم آوری، نشریات ادواری، فهرست‌نویسی و امانت) باعث افزایش بهره‌دهی، کاهش هزینه‌ها، کارایی بیشتر و همکاری بیشتر می‌شود ولی تأثیر مهمی بر ساختار خدمات کتابخانه ندارد. ایران در چنین وضعی است و فعلاً در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از کتابخانه‌ها از امکانات کامپیوتر استفاده می‌کنند. نقش کتابدار شناخت چندان با قبل ندارد و فقط نیاز به آگاهی از کاربرد کامپیوتر است. اما مدارس کتابداری باید نیروی انسانی را برای آینده آماده سازد.

۲. کاربرد کامپیوترها و بهره‌جویی از ارتباطات از راه دور است که به کتابخانه‌ها امکان دسترسی به پایگاه‌های داده‌ها را می‌دهد و این کاربرد مهمتر و مؤثرتر است. کتابخانه‌ها به سمت مراکز اطلاع‌رسانی می‌روند. منابع اطلاعاتی بسرعت به شکل الکترونیکی در خواهند آمد. نقش کتابدار تغییر می‌کند و به کارشناسان حرفه‌ای اطلاعات تبدیل می‌شوند و مسؤول آموزش چگونگی استفاده از تکنولوژیهای مربوط به دستیابی اطلاعات، تحولات تکنولوژی اطلاعات، ضرورت کسب مهارتهای جدید و در نتیجه، جایگاه بهتر و ارتقای علمی و شغلی بهتر برای کتابداران پدید می‌آورد.

۱. عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد نیکنام^۱

به نظر من، لازمهٔ استخدام در کتابخانه، داشتن مدرک فوق دیپلم، لیسانس و یا فوق لیسانس کتابداری؛ و یا حتی دکترای کتابداری نیست اما کتابدار شدن هم تنها با فراگرفتن روش سفارش منابع کتابخانه، فهرست‌نویسی و تسلط بر نظام رده‌بندی دیویی یا کنگره و ... میسر نیست. اگر مسئله را از جنبه‌های مختلف نگاه کنیم، مشکل کار ملموس‌تر می‌گردد و شاید بتوان راه حلی پیشنهاد کرد:

۱- طبیعی است که فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری در مقاطع مختلف تحصیلی توقع داشته باشند در کتابخانه مشغول به کار شوند.

۲- فارغ‌التحصیلان رشته‌های دیگر تحصیلی و حتی دیپلمه‌ها نیز ممکن است علاقه‌مند به استخدام در کتابخانه باشند، که در صورت وجود پستهای سازمانی مناسب و در حد توان، اشکالی ندارد البته در صورتی که آموزش لازم به آنها داده شود.

۳- بعضی از افراد بدون آگاهی از ویژگیهای یک کتابخانه و به گمان اینکه در آنجا امنیت خاطر خواهند یافت، یا کارشان فقط مطالعه کتاب خواهد بود به این کار روی می‌آورند. بدیهی است که این گروه می‌توانند مشکلزا باشند تا متمر ثمر.

۴- گاهی با کمال تأسف برخی از مسئولین به دلیل نداشتن شناخت کافی از کتابخانه و فعالیتهای آن، افراد خاطی، یاغی، عصبی و... را به کتابخانه تبعید می‌کنند، یا افرادی را با اعمال نفوذ و داشتن آشنا به سبب وجود پستهای بدون تصدی در کتابخانه منصوب می‌کنند. این نوع انتصابات و عملکرد مسئولین در این رابطه خود می‌تواند مشکلزا باشد.

از سوی دیگر اشتغال کتابدار فارغ‌التحصیل رشته کتابداری در فضایی که رؤسای آن از دانش کتابداری برخوردار نیستند و در این رشته تخصص ندارند، بسیار دشوار و طاقت‌فرساست و شکی نیست که حتی در صورت تحمل و ادامه کار، بازتاب این تنشها به مراجعه‌کنندگان برمی‌گردد و آنها نیز دچار خسارت می‌گردند. و اینجاست که اصول اولیه کتابداری نقض می‌گردد. و از سویی دیگر، کتابدار

۱. عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

متخصص با همکاران غیر متخصص در کتابداری روبروست که به دلیل وجود نقص در نمودار سازمانی کتابخانه، به آنها نیز کتابدار اطلاق می‌شود و این مسائل بی‌تردید تنشزا خواهد بود و همان بر سر مراجعه کننده خواهد آمد که گفته شد. متأسفانه با وجود توجه به اهمیت اطلاعات و صحبت بسیار پیرامون آن و به کار بردن عنوانهایی یا عباراتی مانند مرکز اطلاعات و اطلاع‌رسانی، این توهم پیش آمده است که اطلاعات و مرکز اطلاعات و اطلاع‌رسانی پدیده‌ای است امروزی و طبیعتاً مُد روز، و کتاب و کتابخانه و کتابداری کهنه و از مُد افتاده است. از طرفی، ورود کامپیوتر به برخی کتابخانه‌ها و آشنا نبودن کتابداران به طرز کار و استفاده از آن، توهم بالا را تشدید می‌کند، در حالیکه اسامی مرکز اسناد یا مرکز اطلاع‌رسانی و نظایر آن بیشتر صوری و حتی به منظور تفکیک وظایف و فعالیتهاست و گرنه کسی که به کتابخانه مراجعه می‌کند دنبال چیست؟ «غیر از کسب اطلاعات؟». و یا کار کتابدار مرجع چیست؟ مگر کتابدار مرجع غیر از اطلاع‌رسانی کار دیگری هم دارد؟ از بُعد دیگر، متأسفانه کیفیت مدارس کتابداری نیز همگام با مسایل روز نیست و دروس همان است که سالها پیش تدریس می‌شده است. مدرسین این رشته اغلب همان دروس قدیمی را با همان محتوای قدیمی تدریس می‌کنند. فرصت مطالعاتی یا در اختیار مدرسین قرار نگرفته یا بسیار اندک بوده است. از جانب دیگر، با توجه به آنچه اشاره شد، با وجود اینکه برای بسیاری سازمانها فرقی بین یک کتابدار متخصص و یک فرد غیر متخصص وجود ندارد انگیزه لازم برای کتابدار وجود نخواهد داشت تا تلاش بیشتری انجام دهد. و همین مسئله در میان دانشجویان رشته کتابداری و وضعیت شغلی آنان مطرح است و انگیزه آنان را برای تلاش بیشتر می‌کاهد. نبودن امکان بازآموزی از جمله مشکلاتی است که کتابداران با آن روبرو هستند.

در مورد کسانی که تکنولوژی اطلاعات را در دست دارند و داعیه مدیریت آن را دارند، باید بگویم که چنین پدیده‌ای اجتناب ناپذیر است زیرا که ناشی از سرعت تحوّل در تکنولوژی کامپیوتر است. طبیعی است که وقتی کارایی یک وسیله بالا می‌رود، به دنبال آن، محیطی برای عرض اندام بوجود می‌آید و در همه کارها رخنه می‌کند، بویژه اگر کاربرد آن در تمامی شاخه‌های دانش بشری امکانپذیر باشد. مشکل کار، در کامپیوتر و توسعه آن نیست بلکه پیدایش این توهم در متخصصین کامپیوتر، اعم از متخصصین سخت افزار، نرم افزار، و ... است که امروزه سواد

واقعی همین است که ایشان دارند و به همین دلیل کار را سهل می‌انگارند. البته استثناء هم وجود دارد و هستند متخصصانی که بدون مشورت متخصصان رشته‌های دیگر، دست به تهیه برنامه نمی‌زنند بلکه برای تهیه هر نرم‌افزار از متخصصین موضوعی و حتی متخصصین مختلف رشته خود استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، کتابداران ما به دلیل نداشتن آشنایی با کامپیوتر و کاربرد آن فاقد زبان مشترک با متخصصین کامپیوتر هستند و اغلب به هنگام روبرو شدن با مسئله کامپیوتری کردن کتابخانه سعی در دخالت نکردن و پوشاندن نقص دانش کامپیوتر خود دارند. البته کتابداران با فراگرفتن کامپیوتر در حد مورد نیاز، بامشورت با یک کارشناس در آن رشته، می‌توانند مشاورین خوبی برای برنامه نویسان باشند تا کار به شکل درستی انجام گیرد. این مسئله یک بُعد فرهنگی نیز دارد و بدیهی است تلاش بسیار لازم است تا افراد جامعه طوری تربیت شوند تا بدانند که نباید بدون آگاهی کامل در رشته‌ای، مداخله کرد و در صورت نیاز، لازم است از مشاورینی کمک گرفت. یکی از اشتباهات کسانی که مدیریت اطلاعات را منحصر به خود می‌دانند و کتابداران و اطلاع‌رسانان را دستکم می‌گیرند این است که آنها تکنولوژی و سخت‌افزار را در اختیار دارند و کتابداران و متخصصین اطلاع‌رسانی زمینه تغذیه آنها را، و طبیعی است اگر همکاری و هماهنگی درست و جدی بین این دو گروه وجود نداشته باشد حاصل کار ارزشی نخواهد داشت چون فاقد صحت و انسجام خواهد بود. امروزه، زمانی است که کتابداران باید بکوشند با کسب دانشهای جنبی و با تلاش بسیار، اهمیت و ارزش این شاخه از علوم را بر همگان روشن سازند.

